

نقدی بر قدرت، گفتمان و زبان (سازوکارهای قدرت در جمهوری اسلامی)

سید علی اصغر سلطانی. تهران: نشر نی، ۱۳۹۱. چاپ سوم^۱، ۲۷۲ صفحه.

عبدالرسول شاکری^۲

۱. مقدمه

این اثر نخستین معرفی جامع از رویکرد تحلیل گفتمانی در ایران است. اهمیت این اثر دوچندان می‌شود وقتی بدانیم معرفی این رویکرد به‌منظور استفاده از آن به‌عنوان ابزاری تحلیلی برای گفتمان‌های جمهوری اسلامی در مقاطع گوناگون صورت گرفته است. به بیانی روشن‌تر، کتاب به معرفی صرف رویکرد مورد نظر بسنده نکرده، و از آن برای مقاصد بومی بهره برده است. کتاب از دو بخش کلی تشکیل شده است. بخش اول، «قدرت، گفتمان و زبان» نام دارد. نویسنده در سه فصل نخست این فصل مباحث نظری را مطرح کرده و درباره‌ی مهم‌ترین رویکردهای تحلیل گفتمانی توضیحاتی آورده است. به‌طور کلی، در این سه فصل، نظریاتی که از زبان‌شناسی، و فلسفه‌ی سیاسی نشئت گرفته، مرور شده است. فصل چهارم نیز چارچوب نظری را دربر می‌گیرد.

از آنجاکه تحلیل گفتمان رویکردی میان‌رشته‌ای است، نویسنده در فصل آغازین این بخش (صص ۴۸-۲۷) به منشأ زبان‌شناختی، ارتباط آن با کاربردشناسی زبان، گفتمان به مثابه‌ی کنشی اجتماعی، و رابطه‌ی گفتمان با دانش و قدرت، پرداخته است. این بخش مباحثی اولیه (و البته گزینشی) درباره‌ی تحلیل گفتمان است که از تأثیرات زبان‌شناسی (به‌ویژه زبان‌شناسی نقش‌گرا، کاربردی، و اجتماعی)، علوم اجتماعی و فلسفه (این‌آخری بسیار مختصر) بر این رویکرد توضیحاتی آورده است. در پایان فصل نیز خلاصه‌ای از مباحث بیان شده است. در فصل دوم (صص ۷۰-۵۱) درباره‌ی سه رویکرد تحلیل انتقادی گفتمان شامل روث وندایک: جامعه-زبان‌شناسی اجتماعی گفتمان؛ توون وندایک: رویکرد اجتماعی-شناختی؛ و نورمن فرکلاف: گفتمان، کردار اجتماعی توضیحاتی آورده است. از آنجا که چارچوب نظری

۱. چاپ اول این کتاب در ۱۳۸۴ بوده است.

۲. استادیار سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).

نویسنده ترکیبی از نظریه فرکلاف و رویکرد تحلیل گفتمانی لاکلا و موف است، در پایان این فصل، اصلاحات متن، کردار اجتماعی، و کردار گفتمانی در نظریه کلاف به‌طور مختصر شرح داده شده است. این‌ها اصطلاحاتی کلیدی است که نویسنده در بخش عملی کتاب از آن‌ها بهره برده است. فصل چهارم و پایانی بخش نخست کتاب، فرضیه اصلی تحقیق و پاسخ آن مطرح شده است. بر این اساس پرسش اصلی چنین است: «قدرت چگونه در اجتماع جاری می‌شود؟» (ص ۱۰۱) و پاسخ آن نیز در قالب این فرضیه ارائه شده است: «قدرت پنهان در گفتمان‌های سیاسی به واسطه فرایندهای دوگانه برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی و به طور کلی در اجتماع و به طور خاص در مطبوعات جریان می‌یابد.» (ص ۱۰۲). نویسنده اگرچه به پایه‌ای بودن رویکرد پساساخت‌گرایانه لاکلا و موف در نظریه استفاده شده در پژوهش خود اذعان می‌کند، آن را فاقد ابزارهای تحلیلی زبانی لازم می‌داند و دلیل استفاده از نظریه فرکلاف را نیز همین ابزارهای زبانی موجود در آن می‌داند. بر این اساس، نویسنده، زیر عنوان تحلیل گفتمان بر اساس برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی، چندین اصطلاح و مفهوم پایه‌ای در رویکرد لاکلا و موف از جمله سوژه، هویت‌یابی سوژه، هویت جمعی و گروهی، موقعیت سوژگی را توضیح داده است. البته، تمرکز اصلی نویسنده بر توضیح برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی در تحلیل گفتمان بوده است. او همچنین اذعان می‌کند در تحلیل‌های متنی از نظریه نقش‌گرای هلیدی نیز استفاده کرده - است.

۲. بررسی شکلی و محتوایی

کتاب، خوشبختانه از نظر ظاهری، حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی، طرح جلد و صفحه‌آرایی بی‌عیب است و می‌توان گفت مشخصات ظاهری آن در شأن کتابی علمی و دانشگاهی است. نظم منطقی و انسجام مطالب در سراسر اثر رعایت شده است. این اثر نخستین تجربه مستقل (به‌صورت کتاب) در به‌کار بردن رویکرد تحلیل گفتمانی برای به‌دست دادن تحلیل بومی از سازوکار قدرت است و از آنجاکه به رویکرد معرفی‌شده، تا پایان اثر، وفادار بوده است، نقد، بررسی و تحلیل‌های آن منطبق بر شیوه‌های علمی و روش‌شناسی ارائه شده است. نویسنده تاحدممکن از سوگیری پرهیز کرده است اما همان‌گونه که نظریه‌پردازان تحلیل گفتمان نیز اعتراف کرده‌اند، هر تحلیل‌گر خواه‌ناخواه، خود نیز در موقعیتی گفتمانی گرفتار است و تصور تحلیل‌گر یا تبیین‌کننده در این رویکرد بدون در نظر گرفتن وابستگی او به گفتمانی خاص ناممکن است. برابره‌ای واژگان و اصطلاحات تخصصی در این اثر با دقت انتخاب شده زیرا همه توضیحات نویسنده در جهت کاربردی کردن آنها به‌عنوان ابزاری برای

تحلیل‌های ارائه‌شده بوده است. این موضوع همچنین موجب رسا بودن و شفافیت زبان اثر نیز شده است که درست‌نویسی و رعایت قواعد دستوری نیز به این امر کمک کرده است.

چنانکه اشاره شد در استفاده درست نویسنده محترم از این نظریه و موفقیت ایشان در بومی‌سازی آن جای هیچ‌گونه شکی نیست. رویکرد تحلیل گفتمانی این دو نظریه‌پرداز، مانند اغلب نظریه‌های تولیدشده از سال‌های ۱۹۷۰ به بعد، ماهیتی میان‌رشته‌ای دارد و سرشار از پیچیدگی‌های فلسفی، زبانی و غیره است. این نظریه‌ها نیز اغلب با توجه به شرایط جامعه غربی و برای تحلیل و تبیین جوامعی که خاستگاه این نظریه‌ها بوده، ساخته شده است. درک چنین نظریه‌هایی، به‌ویژه وقتی با پیشوند «پسا» همراه می‌شود، بسیار دشوار است. در چنین شرایطی، بهترین راه حل، مراجعه به شرح چنین کتاب‌هایی است، به‌ویژه وقتی صاحبان نظریه‌ای عامدانه از ارائه چارچوبی مشخص از نظریه و رویکرد خود طفره رفته باشند (لاکلا و موفه بارها در آثار خود به این موضوع اشاره کرده‌اند). مطالعه آثار فارسی درباره این نظریه نشان می‌دهد که متأسفانه، همه استفاده‌کنندگان از آن از شرح معروفی به نام Discourse Analysis as Theory and Method نوشته یورگنسن و فیلیپس بهره برده‌اند اما در نوشته‌های خود به گونه‌ای ارجاع داده‌اند که گویی خود شارح آثار ایشان بوده‌اند. در نتیجه، فهم رویکرد تحلیل گفتمانی در کشورمان بیشتر مرهون این کتاب است که ترجمه خوبی نیز از آن به فارسی موجود است: «نظریه و روش در تحلیل گفتمان»، نوشته ماریان یورگنسن و لوتیز فیلیپس، ترجمه هادی جلیلی، چ اول، نشر نی ۱۳۷۹. متأسفانه عدم رعایت امانت در ارجاع‌دهی در این زمینه، این اثر ارزشمند را نیز شامل می‌شود.

بهرروی، تجربه نویسنده در بومی‌سازی رویکرد تحلیل گفتمانی بسیار موفق بوده است. این تجربه، همچنین نشان می‌دهد، اجرای همه جزئیات رویکردهای فرنگی، به‌طور کامل، در تحلیل و تبیین شرایط جامعه ما امری نشدنی و غیرعلمی است. نویسنده این کتاب موفق شده است با تأکید بر دو مفهوم و اصطلاح یا به بیانی روشن‌تر، دو «ترفند» برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی، از میان انبوه جزئیات مطرح‌شده در این رویکرد، تحلیلی علمی از وضعیت سیاسی کشورمان ارائه دهد.

اگرچه نویسنده کوشیده است بخش عمده‌ای از دو نظریه یا به بیانی روشن‌تر دو رویکرد استفاده‌شده در کتاب را توضیح دهد (البته، این توضیحات برای درک جایگاه تبیینی یا تحلیلی نویسنده ضروری بوده است) اما استفاده ایشان بیشتر از دو مفهوم برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی بوده است. این نیز دلیلی بر کاربردی و بومی بودن پژوهش ایشان است. زیرا، چنانکه نتایج پژوهش ایشان نیز اثبات کرده است، سازوکار قدرت در ایران و به‌عبارتی نحوه اعمال قدرت در ایران بیش‌تر از طریق

برجسته‌سازی برخی بُدهای گفتمان حاکم و به حاشیه راندن برخی بعدهای دیگر (در خودِ گفتمان حاکم یا گفتمان‌های رقیب) بوده است. از دیگر نشانه‌های دقت علمی این پژوهش این است که مثلاً هژمونیک کردن سلطه یا طبیعی‌سازی اعمال قدرت از اولویت‌های گفتمان حاکمیت نبوده است و به همین دلیل در این تحقیق، نمود کم‌تری یافته‌است. به همین دلیل است که در بررسی روابط قدرت در دوره بررسی شده، انواع حذف‌ها را می‌بینیم.

۳. ارزشیابی کلی و پیشنهادها

اگرچه کتاب یادشده به تبیین و تحلیل اوضاع سیاسی و سازوکار قدرت در ایران پرداخته است، افزون‌بر مفید بودن برای تدریس عنوان‌های درسی مانند روش تحقیق در علوم سیاسی (۱ و ۲، مقطع کارشناسی) و درس‌های دیگرِ مربوط به تحلیل اوضاع سیاسی ایران و جهان، برای درس‌های زبان‌شناسی کاربردی، تحلیل گفتمان، و زبان‌شناسی نقش‌گرا در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری نیز سودمند است. به دلیل ویژگی میان‌رشته‌ای، این کتاب برای دروس رشته‌هایی مانند ارتباطات، علوم اجتماعی، مطالعات فرهنگی و رسانه نیز کاربرد دارد.